

تنها سرنگونی جمهوری اسلامی می تواند پاسخ به آلام و دردهای خانواده های جنایت "معدنجو" طیس باشد!

فاجعه انفجار معدن زغال سنگ "معدنجو" طیس یکی از مرگبارترین "رخ داد ها" در تاریخ ننگین جمهوری اسلامی است. اخبار این فاجعه به قدری تکان دهنده است که احساسات هر آدم شرافتمندی را به جوش آورده است. هنوز عده زیادی از کارگران در زیر آوار معدن گیر کرده اند و متأسفانه باید با توجه به میزان گاز متان کارگران محبوس را کشته به حساب آورد. این فاجعه دوازدهمین حادثه در معادن ایران طی ۴ ماه اخیر است و در این حوادث حدود ۶۴ نفر جان خود را از دست داده‌اند. حادثه معدن یورت گلستان که در سال ۱۳۹۶ رخ داد بیش از ۴۰ کشته داشت. علی مقدس زاده، رئیس کانون شورای اسلامی کار خراسان جنوبی در باره حادثه می گوید: «کارگران کشته شده، ۱۲ میلیون حقوق می گرفتند و معدن فاقد سنسور گاز متان بوده است.» او به وزیر کار می گوید: «اگر یک سنسور گاز متان مانند معدن مرکزی داشتیم این اتفاق نمی افتاد» و بسایت تجارت نیوز در گزارشی می نویسد: "انفجار معدن طیس دوازدهمین حادثه در معادن ایران طی شش ماه نخست امسال است". و بنا به گزارش سازمان پزشکی قانونی، در سال ۱۴۰۲ تعداد قربانیان حوادث کارگری ۲۱۱۵ جانبخته و بیش از ۲۷ هزار مصدوم وجود دارد و مرکز آمار ایران در آخرین گزارش به روز شده خود درباره بررسی روند وضعیت بهداشت و ایمنی معادن در حال بهره برداری بین سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ شمسی نوشته: «بیش از ۷۶ در صد معادن ایران واحد بهداشت، ایمنی و محیط زیست نداشتند».

والدین محمدجواد قاسمی، یکی از کارگران کشته شده در حادثه معدن زغال سنگ «معدن جو» در طیس، با بیان این که کارگران «بلوک ب را کشتند»، در گفت و گویی ویدئویی با کانال تلگرامی «کارگاه» گفته‌اند که «کپسول های اکسیژن را پس از حادثه آورده بودند» و «اگر این کپسول ها در معدن تعبیه شده بود، کارگران نجات پیدا می کردند. پدر این کارگر تأکید کرده است: «پسرم از همکارانش خواسته بود به دلیل ناامن بودن معدن به کار نرود و زمانی که اعتراض شد، کارفرما کارگران را به اخراج تهدید کرد.»

شرکت " معدنجو" ی طیس، یکی از شرکت های خصوصی است، که بنا به گزارش رسانه ای " ایلنا" در دهه ۱۳۷۰ تحت سیاست "خصوصی سازی" به شماری از وابستگان رانتهی رژیم جمهوری اسلامی واگذار شده است. مدیر عامل این شرکت محمد مجتهد زاده نام دارد، که سال ها رئیس " انجمن زغال سنگ ایران بوده و با بهره گیری از نفوذ حکومتی خود در معادن متعددی سهمیم است. گروه های متفاوت و شرکت های خصوصی با استفاده از قدرتی که در کشور دارند، امتیاز سرمایه گذاری در معادن، ساختمان سازی و غیره را به دست می آورند و برای اینکه حداکثر سود را ببرند کارگران را وادار به دستمزدهای بردگی می کنند. چون اصلی ترین راه کم کردن «هزینه» مافوق استثمار از کارگر است. بخش دیگر پایین آوردن «هزینه» تقلب در مصالح و نبودن حداقل های استاندارد های کار در معدن است: مثلاً از مسئولانش باید پرسید چرا سیستم تهویه این معدن خراب بود؟ چرا عوامل احتراقی رفع نشده بود؟ چرا تجهیزات معدن ضد انفجار نبود؟ چرا گاز سنجی انجام نشده؟ چرا با این عمق حفاری، سیستم زره کشی در این معدن نصب نشده بود؟

در واقع سیاست " خصوصی سازی" رژیم یکی از پروژه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است که در دوره های معینی برای دولت های وابسته پروژه خاصی دیکته می کنند. اینگونه پروژه ها بطور خاص از یکسو با سیاست "سفت کردن کمر بند اقتصادی" نیروی کار را می چلاند و آنها را به فلاکت می کشاند و فاصله طبقاتی را گسترش میدهد و از سوی دیگر اکثر این بنگاه ها و شرکت ها نهایتاً به رکود دچار شده و تعطیل می شوند و بیکارسازی نیروی کار فراگیر می شود.

بنابراین و نتیجتاً باید گفت فاجعه اخیر طیس صرفاً «مقصر» فردی ندارد، بلکه مقصر اساساً عملکرد نظام جمهوری اسلامی در شراکت با سیستم سرمایه داری امپریالیسم جهانی است، که مانند همیشه اینبار نیز جان بیش از ۵۰ کارگر را گرفت. بیخود نیست، که علی خامنه ای و اکثر مسئولین اش به تکاپو افتاده اند تا بار دیگر مقصر را «فردی» جلوه داده و افراد مربوطه را متهم به بی توجهی کنند و ظاهراً از قوه قضائیه خواستار بررسی پرونده باشند. گو اینکه قوه قضائیه بیرون از گردونه این نظام است. مثلاً، محسنی اژه ای جنایتکاری که بر کرسی قوه قضا نشسته است، در جلسه شورای عالی قوه قضائیه می گوید: «نظام مهندسی معدن در اینجا مسئولیت دارد و باید دید کار خودش را بدرستی انجام داده

است یانه»، علی نسائی زهان؛ دادستان مرکز خراسان جنوبی اعلام کرده است که تا کنون در رابطه با "مقصران" این حادثه کسی بازداشت نشده و منتظر نظر کارشناسان است. دروغ و تناقض گویی مانند دم خروس بیرون است، وزیر قضایی مهندسین معدن را مقصر می داند و دادستانش هنوز منتظر افراد مقصر است!

این مسیری است که بقاء ساختار و مکانیزم جمهوری اسلامی که بند ناف اش به سیستم سرمایه داری امپریالیسم جهانی وصل است، بدان نیاز دارد، و بدون چنین مسیری، چرخ دنده های آن کارکردی نخواهد داشت. هر جناحی از این رژیم، در شراکت با سیستم امپریالیستی جهانی، یک شبکه انحصار اقتصادی را در دست دارد و به سهم خود نیروی کار "ارزان" کشور، منابع زیرزمینی، کانی و آبی و کوه ها و تراکنش مالی داخلی و بین المللی و مرزهای گمرکی را در خدمت به منافع جناحی خود کنترل می کنند، و بر سر همه اینها با همدیگر رقابت دارند.

بارها گفته ایم که بروز چنین رویدادهایی نه "حادثه کاری" بلکه جنایت هستند. نظام سرمایه داری در همه بخش هایش چه خصوصی و چه دولتی جهت انباشت هر چه بیشتر سود از هر وسیله ای برای کاهش هزینه های کاری از جمله امنیت محیط کار و شرایط کار، سود می جوید. حفاظت از جان کارگران و ایمنی در کار برای صاحبان معدن و سرمایه هیچ جایگاهی ندارد. این منطق سیستم سرمایه داری در سراسر جهان از بنگلادش و ترکیه و شانگهای تا کل جهان است. در جهانی با چنین حجم پیشرفت در علم و تکنولوژی و فناوری، کارگزارانش در شرایط قرن هجده و نوزده مشغول به کارند.

این نظام غیرقابل اصلاح است و باید آن را سرنگون کرد و سرنگونی به معنای جا به جایی هایی در ترکیب حاکمان و حتا تغییر در شکل حاکمیت نیست. رژیم جمهوری اسلامی صرفا یک رژیم فاشیستی دینمدار نیست بلکه انسجام و قدرتش را از شیوه تولید سرمایه داری که شالوده اش را تشکیل می دهد می گیرد. بنابراین سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باید به سرنگونی نظام اقتصادی اجتماعی سرمایه داری پیوند بخورد. نظام سرمایه داری که در ایران حاکم است صرفا واحدی از نظام جهانی سرمایه داری است و تابع کارکردها و قوای محرکه و منافع کلی آن است. طبقه سرمایه دار حاکم و رژیم جمهوری اسلامی بدون این که تابع کارکردها و قوای محرکه این نظام جهانی سرمایه داری باشند، وجود خارجی نمی توانند داشته باشند و وابسته بودن جمهوری اسلامی همواره به معنای آن است که مهره ای در رقابت های میان قدرت های سرمایه داری امپریالیستی باشد.

اجساد کارگران معدن طیس و کارگران مجروح و بی رمق، شیون و زاری زنان و فرزندان و خانواده هایشان همه بر ضرورت یک دنیای متفاوت نسبت به نظام سرمایه داری و به انقلاب کمونیستی تاکید دارد. تنها چیزی که می تواند باعث تسکین همه جنایت های جمهوری اسلامی طی حاکمیت ۴۵ ساله اش باشد، سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی از اصلاح طلبش گرفته تا اصول گرایش قصد دارد از جانباختگان این حادثه برای خود "شهید" درست کند و به نفع خود استفاده کند. تمام نمایندگان این نظام سرورته یک کرباسند و تنها شایسته سرنگونی هستند. در راه سرنگونی این نظام ما افق کمونیسم نوین را پیش می گذاریم. ما با گسترش آگاهی انقلابی و با اتکا به کارگران، زحمتشکان، زنان، جوانان و روشنفکران و توده های مردم، جنبشی با هدف انقلاب را بنیان خواهیم گذاشت. در جریان مبارزه ای حاد و سازش ناپذیر با قدرت حاکم، یاد همه قربانیان این نظام وحشتناک و ضد انسانی را گرامی خواهیم داشت.

حزب کمونیست ایران (مارکسیست،لنینیست، مائوئیست)